



گفت‌وگوی  
صبا با نویسنده  
فیلم سینمایی  
«زعفرانیه ۱۴ تیر»

## زنانی که

# در میان مناسبات اجتماعی، گم شده‌اند

دارد. سپس مدتی نام داستان کوتاه باوش را روی فیلم گذاشتیم اما این نام به دلیل حس کم‌دلی برای این ملودرام تلخ مناسب نبود. پس از تغییرهای متعدد و پیشنهاد کارگردان، نام «زعفرانیه ۱۴ تیر» انتخاب شد تا هم مکان (زعفرانیه) و هم زمان (۱۴ تیر) وقوع داستان مشخص باشد.

### در بومی سازی داستان چه چالش‌هایی داشتید؟

رابطه عاشقانه دختر جوان با مرد میان‌سال عجیب نیست و در همین تهران نمونه‌های زیادی دارد. بنابراین بومی سازی کار سختی نبود. به خصوص که نیمه دوم داستان بر پایه تخیل و تجربه‌های شخصی من نوشته شده است.

### آیا در نگارش فیلمنامه با کاراکتر پدر همذات‌پنداری داشتید؟

برای من همذات‌پنداری با تمام شخصیت‌ها، حتی منفی‌ها، ضروری است. این وظیفه نویسنده است که عدالت را در بین آدم‌های داستانش رعایت کند.

### اگر بخواهید دوباره فیلمنامه را بنویسید، تغییری می‌دهید؟

داستان کامل است اما در زمان تولید، سکانسی درباره شخصیت میمنت حذف شد که به معرفی او و فضای دهه ۶۰ خانواده کمک می‌کرد. وقتی فهمیدم حذف شده خیلی ناراحت شدم. اگر دوباره بنویسم حتما این سکانس را اضافه می‌کنم.

### درباره حذف سکانس‌ها و کوتاه شدن فیلم هم توضیح می‌دهید؟

زمانی که می‌خواستیم فیلم را بسازیم، بهروز افخمی مشاور بود و گفت فیلمنامه ۱۰ صفحه کم دارد. من متن را تا ۷۰ صفحه رساندم اما ساخت فیلم به من نرسید. بعد که علی هاشمی ساخت، برخی سکانس‌ها حذف شدند تا تایم فیلم کوتاه شود. این باعث ناراحتی من بود. بعد هم در آکران عمومی فیلم باز هم دقایقی کم شد که باز هم برایم دردناک بود. وقتی فیلم‌های بلند روی پرده‌اند، چرا فیلمی زیر ۱۰۰ دقیقه باید دوباره کوتاه شود؟ انتظار داشتیم در این تصمیم از من نظر بگیرند، اما چنین نشد.

### نقطه عطف داستان را کجاست؟

اگر منظور ساختار سه پرده‌ای است، نقطه عطف زمانی است که پدر متوجه می‌شود مردی که فکر می‌کرد از دنیا رفته، هنوز زنده است و زندگی دیگری دارد؛ این نقطه باعث تغییر مسیر داستان و کشمکش‌ها می‌شود.

### در پایان، چه حرفی برای مخاطبان فیلم دارید؟

«زعفرانیه ۱۴ تیر» داستان خانواده‌ای است که پشت ظاهر مرفه و آرامش، پر از تنش و راز است. ما همه این‌جا در برابر تقابل سنت و مدرنیته، و تنهایی‌های خودمان ایستاده‌ایم. امیدوارم تماشاگران در این فیلم بازتابی از زندگی واقعی خود بیابند و به فهم بهتری از روابط انسانی برسند.

فیلم سینمایی «زعفرانیه ۱۴ تیر» نخستین تجربه کارگردانی سیدعلی هاشمی است؛ درامی اجتماعی که در دل یک خانواده مرفه تهرانی می‌گذرد. داستان از روز تولد مادر خانواده، میمنت، آغاز می‌شود؛ روزی که قرار بود جشن باشد اما به بحرانی پیچیده و رازآلود بدل می‌شود. با حضور بازیگرانی چون مهدی هاشمی، نازنین بیاتی و هنگامه قاضیانی، این فیلم تلاش می‌کند پرده از تنش‌های پنهان روابط خانوادگی بردارد و نشان دهد پشت ظاهر آرام زعفرانیه چه طوفانی در جریان است. درباره این فیلم با جابر قاسمعلی، نویسنده فیلمنامه، گفت‌وگو کردیم.

### مهدیه مالکی

گزارش

دختر بود که همیشه دغدغه من بوده. بخش دوم داستان را خودم بر اساس تخیل و تجربه نوشتم.

### به نظر می‌رسد فیلم زندگی و تصمیمات زنان مختلف را به تصویر می‌کشد، آسیب‌های اجتماعی را هم به نوعی نشان می‌دهد. نظرتان چیست؟

تقابل سنت و مدرنیته یکی از دغدغه‌های قدیمی جامعه ماست که در سال‌های اخیر با نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی جدی‌تر شده است. نقش زنان و رابطه‌شان با مناسبات اجتماعی تیرتر روز است و مطالبات متنوعی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی مطرح شده. فیلم «زعفرانیه ۱۴ تیر» به یکی از این مطالبات می‌پردازد؛ اینکه تا چه اندازه زنان در انتخاب سبک زندگی خود مستقل‌اند؟ آیا استفاده از ابزار مدرن حتما منجر به زندگی مدرن می‌شود؟ این تقابل اجتناب‌ناپذیر منجر به تنهایی آدم‌ها می‌شود، که خودش از دغدغه‌های اصلی من است.

### کدام کاراکتر داستان را بیشتر دوست دارید؟

همه شخصیت‌ها را دوست دارم چون هر کدام به نوعی از تنهایی آسیب دیده‌اند.

### برخی معتقدند شخصیت پدر در فیلم تخریب شده چون با داماد فریبکار وارد معامله می‌شود، نظر شما چیست؟

داماد فریبکار؟ معامله؟ چنین چیزی در داستان نیست. شخصیت پدر، مردی محترم و موقر است که از جهان هنر آمده و دروغ گو نیست. او عاشق دخترش است و نمی‌تواند اجازه دهد با مردی خیلی بزرگتر ازدواج کند، حتی اگر خودش هم حدود را رعایت نکرده باشد. دختر هم اصرار دارد رضایت پدر را بگیرد و ناچار است رازهای خانوادگی را فاش کند. زندگی دوزن دیگر داستان یعنی میمنت و آذر هم تحت تأثیر این انتخاب‌ها قرار می‌گیرد و به تنهایی ختم می‌شود.

### چرا نام «زعفرانیه ۱۴ تیر»؟ این ترکیب چه معنایی دارد؟

نام فیلم در ابتدا «شه‌مات» بود؛ اشاره به موقعیتی در شطرنج که بازیکن با یک مهره شاه مات می‌شود، همان وضعیتی که شخصیت ماهرخ در فیلم

### چه ویژگی در داستان باعث شد که برای اقتباس به سراغ آن بروید؟

داستان «از این خبر خوشحال نیستی» نوشته ریچارد باوش را اوایل دهه هشتاد در مجله زنان خوانده بودم. سال ۸۵ طرح اقتباسی‌اش را نوشتم اما آن طرح ماند نوی پوשה. اوایل دهه نود وقتی تصمیم گرفتم بعد از سال‌ها نوشتن فیلم بسازم، به سراغ طرحی خیابانی به نام «خوان هشتم» رفتم، اما چون پروژه جاه طلبانه و سخت بود و فآرایی مجوز نداد، دوباره برگشتم به همان طرح اقتباسی قدیمی. البته بعد از سال‌ها دیگر آن طرح را دوست نداشتم و تصمیم گرفتم طرحی جمع‌وجور و قابل ساخت بنویسم؛ قصه‌ای که در یک لوکیشن و در محدوده زمانی ۲۴ ساعت روایت شود. این محدودیت‌ها برایم چالش‌جذابی بود. داستان را در قالب یک داستان سه پرده‌ای در چهار چوب یک خانه و با پنج شخصیت نوشتم. هدفم این بود که در فضای بسته، تعلیق و کشمکش ایجاد کنم. در همان سال‌ها چند کارگردان مطرح هم خواستند فیلمنامه را بسازند اما من تصمیم داشتم خودم آن را بسازم، اما در نهایت این اتفاق نیفتاد.

### چرا تهیه‌کننده پیدا نکردید؟

چند تهیه‌کننده مطرح هم درگیر این پروژه شدند اما هر بار با مشکلاتی مواجه شدیم؛ یکی به‌خاطر معطل شدن سرمایه‌گذار نیمه‌راه کنار رفت، دیگری به دلیل مشکلاتی که پیش آمد و سومی هم مسائل مفصلی داشت که جای بحث دارد. زندگی من طی این ۵-۴ سال تحت تأثیر این پروژه بود به طوری که هیچ پیشنهاد فیلمنامه‌نویسی هم نگرفتم، چون همه فکر می‌کردند من درگیر ساخت فیلم خودم هستم. در نهایت علی هاشمی که کارگردان فیلم شد، پس از چند بار مذاکره، فیلمنامه را از من گرفت و ساخت.

### از نظر شما چه ویژگی‌ای در داستان ریچارد باوش باعث جذب شما شد؟

داستان اصلی باوش در نیمه اول فیلمنامه تأثیر گذاشت؛ تمام داستان او در یک خانه و در یک مکالمه تلفنی رخ می‌دهد. ما در فیلم فقط دو کاراکتر زن و شوهر را می‌بینیم و صدای دو شخصیت دیگر را می‌شنویم. برای من ساختار متمرکز روی زمان، مکان و شخصیت‌ها مهم بود، اما مهم‌تر از همه بحران رابطه پدر و



کینگ آف واتر  
کینگ آف واتر  
کینگ آف واتر

نویسنده و کارگردان:  
مجید اسماعیلی

تهیه‌کننده:  
مجتبی امینی